

- ﴿ امروز در تاریخ: فرار محمدرضا پهلوی از کشور / پیام ماده‌ای حضرت امام خمینی(ره) برای ملت ایران (۱۳۵۷ ش)

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین المللی ISO9001:2008

حکمت ۳: نهج البلاغه



حکایتی از اوپرای قدیم

در شهری از شهراهی
قدیم در سرزمینی دور
به علت بروز
نابسامانی های
اقتصادی، اجتماعی،
فرهنگی و نوسانات
شدید قیمت ارز و
تشکیل حباب های
مختلط در بازار و ایجاد گسسته های عمیق
فرهنگی و آسیب های اجتماعی، جرم های
اقتصادی نظیر سرقت و اختلاس افزایش یافت
و داروغه شهر تصمیم گرفت برای مقابله با این
ازایش، مجازات های جدیدی وضع کند تا
موجب عبرت سایرین گردد.
درنتیجه دستور داد هر کس را به جرم زدن
دستگیر کرند و جرم شمش هر زد، سوار بر خر
کنند و در معابر اصلی شهر بکرگانند تا شهره
خاص و عام شود و متبعه گردد. روزی شخصی
که صدهزار دینار اختلاس کرده بود دستگیر
شد. او سوار خر کرند و مدت یک هفته در
تمام معابر شهر حتی معابری که برای عبور از
آهنه ایار به پرداخت عوارض بود، گردانند.
مردم که بادیدن اوبه اجرای عدالت امیدوار
شده بودند، با سردادن شعارهایی چون
«غارنگریت المال، حق مسلم ماست» و «ای
خرسوار حیاکن، این رویه ناسالم روهاکن»
خواستار ادامه بروخورد با مفسدان اقتصادی
شدند. در پایان هفته، مجرم رانزد را روغه برند.
داروغه ازاوپریسید: خب، خوش گذشت؟
دز گفت: بلی، پول هارا که همراه خانواده از
کشور خارج کردم، خرسواری متفق هم که کردم،
مردم را هم به اجرای عدالت امیدوار کرده و
با عث تخليه هنجانات آنها نيز شدم. چرا خوش
نگذشته باشد؟
داروغه گفت: این حرف تو طعنه به کسی،
جایی نهدادی دستگاهی، چیزی نبود؟
دز گفت: نه بابا، این حکایت مال قدیم و
سرزمین های دور است.
داروغه گفت: بر فرض مذکور بلا ایراد است و
خاموش شد.

تولید کفشهای خودش بندهش، ام، بنده

شرکت نایک یک کفشه کتانی تولید کرده است که به گوشی هوشمند متصل و با استفاده از آن کنترل می‌شود.

به گزارش ایسنا، شرکت نایک در هفته جاری از تولیدیک کفش کتانی خبر داد که خودش بندش رامی بندد و با استفاده از گوشی هوشمند کنترل می‌شود. البته سال ۲۰۱۶، این کفش با عنوان "HyperAdapt 1.0" به تولید رسیده بود که حال دچار تغییراتی شده و می‌تواند به گوشی وصل شود. انتظار می‌رود که قیمت این کفش ۳۵ دلار باشد و قرار است آینده وزش بسکتبال با این کتانی دچار تحول شود. ابتدا گفته شده بود قیمت این کفش ۷۲ دلار خواهد بود. وزشکارانی که این کفش را متحان کردند، آن را راحت، خارق العاده و عجیب دانستند. البته هنوز نایک از این کفش رونمایی نکرده و ظاهراً آن دقیقاً مشخص نیست. این کفش، کتانی اسپورتی می‌باشد.

کشف یک معدن «حال خوب» در همین حوالی!

ماکاشفان کوچه‌های بن بستیم / حرف‌های خسته‌ای داریم / این بار / پیامبری
بفرست / که تنه‌اگوش کند... او لین شعری که از عبدالملکیان خواندم و به دلم
نشست، زاویه نگاهش را دوست داشتم و بعد از آن شعرهایش را دنبال کردم
احساسم این بود آدم دوراز دسترسی است تا این که روز جمعه به اوتلفن کردم برای
مصاحبه، وقت نداشت و برای شبته ساعت ۱۴ قرار گفت و گورانه‌ای کردیم. شنبه
وقتی هم صحبتی مادر او بود، صدای آقای پلیس شنیده شد که به گروス عبدالملکیان می‌گفت: حرکت
من...! جای بهتری برای پارک پیدا کن... تا گوس جای بهتری برای پارک پیدا کنده این فکر کردم اگر به جای این
شاعر مثلاً یک بازیگر شناخته شده یا چهره‌های معروفی بود باز هم چنین تذکر جدی می‌گرفت؟ یا قضیه با
کرفتن یک عکس بادگاری به خیر و خوشی تمام می‌شد. کاش همه مردم شعر بخوانند، شعرهای خوب، کاش
همه مردم شاعران، ایشناسند، شاعران، که حال، خوب، ادب و خدمشان بیداگر بهه مانشان مـ، دهند.

و باعیزان بسیاری سروکار دارم، هم بسیار سفر می‌کنم و بخشی هم از این آشناهای برمی‌گردید به مطالعه و فیلم دیدن که علاقه سالیانم است و از این طریق هم با روح مردم کشورهای مختلف نزدیکتر شده‌ام. چون ادبیات یک کشور روح آن کشور را می‌نویسد. از طرفی بسیاری از دغدغه‌های پسر، دغدغه‌های مشترک انسانی هستند. چیزی مثل عشق در همه جای بیاست و چیزی مثل دروغ و ریاهمیشه و همه جا منفور است. اگر شاعر بیانی خاص و پنجره‌ای تازه به این مقولات نزدیک شود، طبیعتاً می‌تواند نگاه خصوصی اش را عمومی کند و بسیاری از مخاطبان با شعرش همدل شوند.

■ اشعار شما را که می‌خوانیم در ذهن مکثی می‌کنیم، فضاسازی کرده و در برآور آن فکر می‌کنیم؛ دلم گرفته است / درست مثل آنچاکه می‌گوییم: دلم گرفته است / درست مثل لک لکی که بال هایش را برای کوچ امتحان می‌کند... این وسوسی که برای انتخاب و ازدها و فضاسازی دارید به تکنیک شعر شما بستگی دارد و این که اسکلت شعر باید درست و بجا بشد؟

مقولات بسیاری در لایه‌های مختلف زبان می‌توانند شعرساز باشند؛ از محتوای گرفته تا تخلیل و زبان و لحن و فرم اثر به گمان من، یکی از مهم‌ترین مسائل شعر این است که شعروقتی تمام می‌شود، تمام نشود و در مخاطب به حیاتش ادامه دهد. مخاطب بارها و بارها به آن برگرد و مثل درختی در کنارش قدم بزند. این ویژگی شعر رودخانه‌ای در کنارش این است که زنده است و وقتی می‌گوییم زنده یعنی آن رگ حیاتی پنهان را در خود دارد؛ درست مثل دریا که حتی اگر هزار بار هم روبه رویش باشد نمی‌شود. یعنی دریا چیزی حز آب و موج و نمک نیست، اما اگر همینها بود که خسته‌مان می‌کرد. پس رازی در خودش دارد. درست مثل راز پنهان شعر که به نظر می‌رسد چند کلمه و تصویر و موسیقی است، اما جهانی در پسش نهفته است.

است. وضعیت پیچیده‌ای شبیه کرامند شدن امریکران. هم محدودیم و هم بنی‌نهایت. در عین کرامند بودن بی کرامیم و در عین بی کرام بودن کرامند. در لک لحظه می‌توانیم از میان میلیون‌ها مسیریکی را انتخاب کنیم، اما آفریدگاری بی زمان و بی مکان در همان لحظه غایت تمام مسیرهای ممکن را می‌پیند.

■ از معدود شاعران ایرانی هستید که شعرهایتان به چند زبان خارجی منتشر شده و این برای شعر ما موقوفیت خوبی است. چگونه به زبان بین‌المللی و مخاطب بیشتر برای شعرهایتان دست یافتدید؟ آیا حس اشعارتان که حس مشترک بین‌آدم‌هارا بین می‌کنید، باعث این اتفاق شد؟

این جهان در کثیر و وحدت است. در عین حال که آدم‌های روی زمین با هم فرق دارند، اما بسیار به هم نزدیکند. معمولاً شعر از مسیر نزدیکی‌های میان آدم‌ها آغاز می‌کند تا به درون آنها پیدا کرده و از دریچه مردم خوانده و تفسیر شود و حتی چیزهایی در خودش بیابد که خودش از آن بخبر است. از طرفی دریکی از تعریف‌های شعر آمده که شعر عمومی کردن یک حس خصوصی است. این رسانی به مفهومی که از مفهومی این که کل خواهد بود. پس باید حضور رنج‌ها و سختی‌هارا بپذیریم. پذیرفتن نه به معنای انفعال، بلکه به معنای عمل. یعنی قبول مبارزه و لذت بردن از آن برای رسیدن به کمالی کامل‌تر، یعنی این که کل زندگی چیزی شبیه بالا رفتن از کوه است، قدم به قدم بارنج و البهه از قاع بیشتر و مناظری زیباتر همراه است. فلسفه تگاه من به جهان چیزی در درونیات و فضای خصوصی خود رامی‌نویسد.

اما شعر در این نقطه اتفاق نمی‌افتد، بلکه شعر جایی شروع می‌شود که شاعر از فضای خصوصی که آن را می‌کرده، آغاز می‌کند، اما توانایی این را دارد که به این فضای خصوصی عمومیت ببخشد؛ یعنی طوری بنویسد که دیگران هم این فضای شخصی را بفهمند و با آن احساس هم‌دلی کنند و البهه این نوع نگاه بستگی به شناخت شاعر از جامعه و جهانش دارد. من گمان می‌کنم کم و بیش شناختی نسبی درباره جامعه و جهانم دارم. این هم دلایل خاص خودش را دارد. هم این که ذاتاً اهل تاریخ و همچنین پیگیری اخبار روز هستم. هم با واسطه شغلum که تدریس است آنقدر بزرگ شود که وجودت را پرکند، نظر شما دریا راه نگاه من چیست؟

کسانی که عمیقاً را روح این جهان ارتباط می‌گیرند، اولین حسشان همین احساس درک عظمت جهان است که این خود مسئله مهمی است، چون اندک اندک حس می‌کنیم این عظمت نه تنها در جهان بیرون که همزمان در جهان درون ماست. شاید اساساً هم جنسی همین دو عظمت است که یکی را به دیگری وصل می‌کند و کمک احسان می‌کنند، این که تمام جهان در درون ماست یا ما با جهان یکی هستیم و روح مشترکی در جهان دارد که در شکل‌ها و منزل‌های گوناگون به سمت کمال پیش می‌رود. براساس این جهان بینی ما باید پذیریم که جهان با زیبایی‌ها و رنج‌ها یش کامل است و بدون تاریکی، روشنایی بی معنا خواهد بود. پس باید حضور رنج‌ها و سختی‌هارا بپذیریم. پذیرفتن نه به معنای انفعال، بلکه به معنای عمل. یعنی قبول مبارزه و لذت بردن از آن برای رسیدن به کمالی کامل‌تر، یعنی این که کل زندگی چیزی شبیه بالا رفتن از کوه است، قدم به قدم بارنج و البهه از قاع بیشتر و مناظری زیباتر همراه است. فلسفه تگاه من به جهان چیزی در ساخت و سنگین است. اما مطمئن در کنار هم بروزهای سخت را پشت سر خواهیم گذاشت و شاید مهم‌ترین عامل تاثیرگذار بر حال ما، خود سلامتی آتش که از سوختن می‌رسد / به سلامتی زخم که پوست رازنده کرده است / به سلامتی رنج که قرن هاست خودش را تحمل می‌کند...

■ از این زاویه نگاه می‌رسیم به مقوله جیریا اختیاریا هر دو باهم؟

جب و اختیار را در ادامه هم می‌پذیرم. به عنوان بشر صاحب اختیارات بسیاری هستیم و بی‌نهایت امکان انتخاب داریم، اما این بی‌نهایت خود رون نقشه‌ای است که آفریدگار ترسیم کرده می‌گویند پیرامون خود را قشنگ ببینید، اما من معتقدم باید باجهت به دنیا گاه کنی تاذنیا

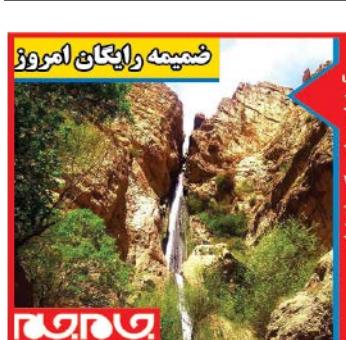
گرانترین املت حرهان



گران ترین املت دنیا با قیمت ۲۰۰۰ دلار
به فروش رسید.



مهر: عکس



ویرژنامه‌های استانی

کرمانشاه (۸ صفحه) - البرز

نیازمندی

قم، اصفهان، البرز و کرمانشاه

وقت‌هایی هست که مثلاً می‌نشینی کتاب
بخوانی به خودت می‌آیی می‌بینی نیم
ساعت است چشم دوخته‌ای به کتاب و
کتاب یک صفحه‌هه هم ورق نخورده است. یک
وقت‌هایی که بی‌حوالله یک لباس مدستی
می‌پوشی و می‌زنی بیرون. همان وقت‌ها
که با یک کلید خط می‌کشی یا از کنار یک جایی
چرک با کلید خود را درست را قائم می‌کنی
می‌گذری که نزد دارد و دستت را قائم می‌کنی
و اندشت‌هایی نزد ها را در کسری از ثانیه
لمس می‌کنند و نزد بعدی و نزد بعدی.
همان وقت‌هایی که یک قوطی فلنی کوکای
یک بطری آب معدنی می‌شود هم قدمت و
مسیر قابل توجهی را پا شوتش می‌کنی و
جلوی افتاد و دوباره می‌رسی و شوت بعدی.
همان وقت‌هایی که یک تکه چوب رامی اندازی
توی جوب آب و همراهی اش می‌کنی و چشم از
آن برنمی‌داری تا همه بیچ و تاب‌ها همه‌گیر
کردن‌ها و همه توقف‌های ایش راز می‌زنی و
همسفرت می‌شود. من اسم این لحظه‌ها را
می‌گذارم خلا، توی این حول لحظه‌ها معمولاً
سخت‌ترین و جدی‌ترین تصمیم‌های زندگی‌ام
رامی‌گیرم. معمولاً بعد از گذراندن این لحظه‌ها
به شدت گرسنه می‌شوم. ماهیچه‌های
فکم درد می‌گیرید (از شدت دندان قروچه)
و کرتی سنگینی‌بدن را بغل می‌کنم. توی
این لحظه‌ها به همه چیز فکر می‌کنی و به
هیچ چیز فکر نمی‌کنی. یک مه شیری رنگ
دور مغزم رامی‌گیرد. آمپر مغزمنی چسید به
انتها و توآرم انگاره که توی جیب‌های پالتویت
قلوه‌سنگ گذاشته باشی (مثل ویرجینیا
ولف) در کفر رخوانه‌ای عمیق قدم می‌زنی
و آرام خودت رامی‌سپاری به جریان نرم فکر
(نه شبیه خانم ول夫 برای خودکشی) و بعدش
تصمیم‌های بزرگ می‌گیری. از این خلاها
هرازگاهی برای خودتان درست کنید و توی
جیب پالتوی بلندتاتان قلوه‌سنگ بیندازید و
برزینید به دل رو دخانه شیری رنگ خیال دست
و پازدن برابرها یی از این خیال خیلی لذت
بخش است...

گوجه فرنگی

دانشمندان اسپانیایی موفق به ساخت اسپری گوجه فرنگی برای محافظت از گیاهان در برابر خشکسالی و باکتری شدن. به گزارش فارس، گوجه فرنگی ها به دلیل داشتن ترکیبی به نام هگززیل بوتیرات گیاهان سرسختی هستند.

در حال حاضر دانشمندان اسپانیایی افشانه‌ای از این ترکیب ساخته‌اند تا با اسپری آن به انواع مختلفی از محصولات گیاهی، آنها را در برابر خشکی و عفونت‌های باکتری‌ها مقاوم کنند.

در فرآیند طبیعی به نام تعرق، آب درون یک گیاه از طریق منفذ‌های کوچکی به نام روزنه‌های هوایی روی سطح برگ‌ها متصاعد و همچنین دی‌اکسید کربن محیط از طریق این منفذ وارد گیاه می‌شود، این تبادل مواد برابر

A close-up photograph of several ripe red cherry tomatoes hanging from green vine branches with leaves.